

نہمراۃ الحیات

تألیف

الفاضل الکامل سید الواعظین آقاسید محمود امامی اصفہانی رضوان اللہ علیہ

جلد اول

ویرایش دوم

تحقیق و ویرایش

محمد ملکی

قم، خیابان ارم، پاساژ قدس

انتشارات ذوی القربی



قم - خیابان ارم - پاساژ قدس - طبقه همکف - پلاک ۸۴ تلفن: ۷۷۳۹۵۲۵

ثمرات الحیات جلد ۱

تألیف / سید محمود امامی اصفهانی (ره)

ناشر / انتشارات قائم آل محمد علیه السلام

نوبت چاپ / پنجم (اول این ناشر)

چاپخانه / نوید اسلام

شمارگان / ۳۰۰۰ نسخه

قیمت / ۷۷۰۰ تومان

شابک جلد ۱: ۸-۷-۹۶۱۶۵-۹۶۴ ۸-۷-۹۶۱۶۵-۹۶۴

شابک دوره‌های: ۴-۹-۹۶۱۶۵-۹۶۴ ۴-۹-۹۶۱۶۵-۹۶۴

(فهرست)

۵	فهرست
۱۳	سخن ویراستار
۲۱	مقدمه
	مجلس اول: در نورانیت سیدالشهداء علیه السلام ، شباهت سیدالشهداء به فجر
۲۹	صادق، در نورانیت حضرت زهرا علیها السلام
	مجلس دوم: در احسان به والدین، در ثواب صدقه، تفسیر آیه حملته
۴۳	امه ...
	مجلس سوم: در شناخت نفس خود، در اخلاط اربعه، در فوائد
۵۷	اربعین، ظهور حُمره در شهادت سیدالشهداء
۶۹	مجلس چهارم: در حرمت تصویر، در علم به آنچه که در ارحام است ..
۷۷	مجلس پنجم: مراتب خلقت انسان، در قضا و قدر الهی
	مجلس ششم: چگونگی خلقت انسان در رحم، در اقل و اکثر مدت
۸۵	حمل، در شباهت امام حسین به یحیی
۹۵	مجلس هفتم: در خلقت انسان، علت تولد در مکانی، مرگ در مکانی دیگر
۱۰۳	مجلس هشتم: در معنی شرح صدر، کراهت جنین از دنیا
	مجلس نهم: در اینکه رزق بندگان با خداست، منع رسول خدا از شیر
۱۱۳	دادن امام حسن علیه السلام
۱۲۱	مجلس دهم: در سختی حالات بنی آدم، متمثل شدن شیطان
	مجلس یازدهم: حاضر شدن شیطان در سه جا، در ادعیه که ایمان را
	حفظ می‌کند، در فایده گریه اطفال، در محبت رسول خدا نسبت به امام
۱۲۹	حسین علیه السلام ، آمدن آهو خدمت امام حسین علیه السلام
	مجلس دوازدهم: در ثمرات اولاد، در خیرات جاریه، استجابت دعای
۱۴۳	زکریا

- مجلس سیزدهم: در اینکه هر چیزی را زینتی است، در فضیلت ذکر اهل بیت، حکایت روضه خوان، در زینت اهل بهشت، در زینت بهشت، آمدن جبرئیل برای تهنیت ۱۵۵
- مجلس چهاردهم: حکایت ثعلبه، در ثواب مرض طفل، محبوبیت بکاء، در فضیلت اصلاح ۱۷۳
- مجلس پانزدهم: در عدوات زنان و فرزندان، در مزمت اموال و اولاد، در فضیلت بوسیدن اولاد، در بشارت جبرئیل ۱۸۷
- مجلس شانزدهم: امتحان مردم به سبب فرزند و اموال، فدا شدن ابراهیم برای حسین، شفاعت برای قاتلان حسین نیست ۱۹۹
- مجلس هفدهم: در عدم شفاعت قاتلین حسین علیه السلام، در تعلیم اطفال، در تادیب طفل، در بردن روح القدس صاحب الزمان علیه السلام را، در خط نوشتن حسین علیه السلام ۲۰۷
- مجلس هجدهم: در اقسام تحصیل مال، حکایت اعرابی، درانگشتران سیدالشهداء علیه السلام ۲۲۱
- مجلس نوزدهم: در اسباب خوبی فرزندان، در تربیت فرزند، در تولد فرزند دختر، در احادیث معصوم درباره دختر، در اصلاح و نیکوکار شدن دختر و پسر، چگونگی شیردادن به فرزند، ایام جماع ممدوحه و مذمومه .. ۲۳۱
- مجلس بیستم: نیکویی به فرزندان، نیکویی به پدر و مادر است، برکات اسم محمد و احمد، فضیلت تسمیه به اسم ائمه، فضیلت نکاح، فضیلت عقیقه، در تأثیر نام حسین علیه السلام، حدیث ام السلمه، گریه همیشه با نام حسین همراه است، خبر دادن پیامبر از محل شهادت حسین علیه السلام ۲۴۳
- مجلس بیست و یکم: در مذمت رفیق بد، تفسیر ابجد، در معجزه حضرت امام حسن علیه السلام، مرده زنده کردن عیسی و تعلیم ابجد آن حضرت و گفتگوی وی با معلم، مرده زنده کردن سیدالشهداء ۲۶۱
- مجلس بیست و دوم: در فضیلت علم، در وجوب طلب علم ۲۷۳

- مجلس بیست و سوم: در توحید، تسبیح جمیع موجودات، تسبیحات حیوانات، جواهر شدن سنگ ریزه برای حضرت زین العابدین علیه السلام، معرفت موجودات به آل محمد علیهم السلام، گریه موجودات بر حضرت ابی عبدالله علیه السلام ۲۸۵
- مجلس بیست و چهارم: در لعن طاغوت، ثواب گریه بر حضرت ابی عبدالله علیه السلام، در مذمت دروغ، دروغهای معروف در زبان اهل منبر، در ذکر کتب معتبره مقاتل و مواعظ ۳۰۳
- مجلس بیست و پنجم: در مذمت دروغ، دروغهای معروف در زبان اهل منبر، در ذکر کتب معتبره مقاتل و مواعظ ۳۱۱
- مجلس بیست و ششم: علائم شرکت شیطان در نطفه انسان، بغض و کینه به علی علیه السلام علامت حرام زادگی است، سبب عداوت یزید با اباعبدالله علیه السلام، بیعت گرفتن مروان از امام حسین علیه السلام برای یزید وداع حضرت امام حسین علیه السلام با قبر رسول الله، و علی مرتضی علیه السلام و با قبر مادرش زهرا و برادرش امام حسن علیه السلام ۳۲۳
- مجلس بیست و هفتم: نبوت تمام انبیاء برای نبوت حضرت نبی اکرم بوده، افضلیت حضرت محمد بر سایر انبیاء و معجزات او، خبر شهادت حضرت سید الشهداء علیه السلام توسط پیامبر ۳۳۷
- مجلس بیست و هشتم: پاک شدن گناهان به زیارت حضرت سید الشهداء علیه السلام، ابتلا به بلاها گناهان را پاک می کند، بلاهای مثبتی انبیاء و اولیاء، بیرون رفتن اباعبدالله علیه السلام از مدینه النبی ۳۴۳
- مجلس بیست و نهم: در خلقت جن و شیاطین، اختراعات جنیان، رفتن حسنین به حدیقه بنی نجار، آمدن جنیان به یاری سید الشهداء علیه السلام ۳۵۳
- مجلس سیام: اول چیزی که در زمین بنا شد کعبه بود، در خلقت بیت المعمور، در اینکه قلب مؤمن عرش رحمن است، حریمهای ائمه: حرم خداست، مسجد الحرام حرم امن خداست ۳۶۵

- مجلس سی و یکم: در ثواب حج، در ثواب قضاء حاجت مؤمن، در ثواب زیارت عاشوراء، تشبیه اعمال اباعبدالله علیه السلام با اعمال حجاج ۳۸۳
- مجلس سی و دوم: در چگونگی آمدن حجرالاسود، داستان حجرالاسود، سنگ مقام ابراهیم علیه السلام، حج رفتن سیدالشهداء، ثواب گریه بر سید الشهداء ۳۹۷
- مجلس سی و سوم: روزی مقدر انسان به او می‌رسد، عارض شدن گرسنگی سختی بر علی علیه السلام، کسانی که بی مشقت روزی به آنها می‌رسد، گناهانی که عقوبتش در دنیا است، خطبه حضرت سیدالشهداء ۴۱۳
- مجلس سی و چهارم: فضیلت انسان بر سایر موجودات، سبب شرافت انسان، ثواب جلوس نزد عالم، ثواب یاد گرفتن علم، کسانی را که باید متابعت کرد، نامه اهل کوفه به حضرت اباعبدالله علیه السلام، بی وفایی اهل کوفه، در شهادت قمر بنی هاشم ۴۳۱
- مجلس سی و پنجم: در وفای به عهد، بی وفایی اهل کوفه، وارد شدن ابن زیاد به کوفه، داستان هانی با ابن زیاد، داستان محمد بن کثیر و ابن زیاد، داستان گرفتار شدن حضرت مسلم عقیل ۴۵۱
- مجلس سی و ششم: در حقیقت معنای ایمان، گریه مسلم بن عقیل علامت ایمان اوست، داستان شهادت حضرت مسلم ابن عقیل ۴۶۹
- مجلس سی و هفتم: دوستان خدا از مرگ باکی ندارند، داستان شهادت میثم تمار، شهادت قیس بن مسهر صیداوی ۴۷۹
- مجلس سی و هشتم: خداوند عالم غنی مطلق است، ثواب ترحم بر مخلوق خدا، ترحم بر یتیمان و مسکینان، داستان طفلان مسلم، داستان شهادت طفلان مسلم ۴۹۱
- مجلس سی و نهم: قضاوت حضرت داوود، حکمت مهلت دادن ظالمین، جزای حارث ملعون در دنیا ۵۰۷
- مجلس چهارم: علم ائمه اطهار، خبر دادن حضرت سیدالشهداء از شهادت خود ۵۱۹

- مجلس چهل و یکم: در خواص مسافرت، فواید مسافرت، مقامات عالیه
 ۵۲۷ زهیر بن قین
- مجلس چهل و دوم: ایمان دارای چهار رکن است، در حقیقت ایمان،
 ۵۳۷ حدیث جابر
- مجلس چهل و سوم: دوستان خدا آرزوی مرگ دارند، در اشتیاق علی
 ۵۴۷ اکبر علیه السلام به شهادت
- مجلس چهل و چهارم: جهاد اصغر و اکبر، داستان عبیدالله ابن حر جعفی
 ۵۵۵ مجلس چهل و پنجم: کفاره گناهان به چند چیز است، کمک به مظلومان،
 ۵۶۵ داستان خضاک بن عبدالله در کربلا
- مجلس چهل و ششم: رحمت خاص و عام پروردگار، ائمه اطهار مظهر
 ۵۷۵ رحمانیت حق‌اند
- مجلس چهل و هفتم: نعمت‌های ظاهری و باطنی خداوند، از علامات عقل
 و ادب، ملاقات حضرت سیدالشهداء با حرابین یزید ریاحی، گریه کردن
 ۵۸۳ حضرت سیدالشهداء و اصحاب کرام
- مجلس چهل و هشتم: خداوند بندگان خود را امتحان می‌کند، خبر شهادت
 ۵۹۵ به اهل بیت می‌رسد
- مجلس چهل و نهم: علوی که جز خداوند کسی نمی‌داند، رسیدن اهل بیت
 ۶۰۳ بالای گودال
- مجلس پنجاهم: در فضیلت زمین کربلا، در فضیلت مجاورت زمین کربلا،
 ۶۱۱ در آثار زمین کربلا
- مجلس پنجاه و یکم: وجه تسمیه ابراهیم خلیل الله، ثواب مهمانی کردن،
 خدمت به مهمان عزت انسان را زیاد می‌کند، مهمانی اهل کوفه از
 ۶۲۳ حضرت سید الشهداء
- مجلس پنجاه و دوم: فواید باران، فضیلت مکه معظمه، فضیلت تربت
 ۶۳۷ سیدالشهداء، حکایت جمال‌الدین خلیعی

- مجلس پنجاه و سوم: تشبیه دنیا به مار و دریا، یأس از رحمت خدا، نهی شده است، حسین، کشتی نجات امت ۶۵۳
- مجلس پنجاه و چهارم: اختلاف مردم، در دنیا، زهد حضرت عیسی علیه السلام، کسانی که نه دنیا دارند و نه آخرت، تحریک کردن مردم به قتل حسین علیه السلام از سوی ابن زیاد، آمدن بنی اسد به یاری امام حسین علیه السلام ۶۶۳
- مجلس پنجاه و پنجم: آثار گناهان، در این که صدقه رفع بلا می کند، حضرت علی علیه السلام مرکز علوم اولین و آخرین است، علوم پیامبر صلی الله علیه و آله نزد علی علیه السلام، علم امیرالمؤمنین علیه السلام، مشورت عمر سعد در قتل امام حسین علیه السلام با نزدیکان خود ۶۷۷
- مجلس پنجاه و ششم: ثواب تذکر، تکلم شیطان با حضرت نوح علیه السلام، تکلم بریر با عمر سعد، آمدن شمر به کربلا ۶۹۵
- مجلس پنجاه و هفتم: در فواید آب، ثواب آب دادن ۷۰۷
- مجلس پنجاه و هشتم: مواردی که نماز استسقا خوانده شد و باران آمد، حقوق حضرت سیدالشهداء بر اهل کوفه، آب آوردن اصحاب در شب عاشورا، آب دادن سیدالشهداء به اصحاب ۷۱۵
- مجلس پنجاه و نهم: موعظه پیامبر برای ابذر غفاری، تجارت های چشم، نظر کردن به فضائل علی عبادت است، اقسام گریه، عبادت حضرت سیدالشهداء در شب عاشورا ۷۲۵
- مجلس شصتم: خداوند بندگان خود را امتحان می کند، اقسام امتحان خداوند، امتحان مردم کوفه، کلمات حضرت سیدالشهداء علیه السلام با اصحاب ۷۴۱
- مجلس شصت و یکم: توبه و شرایط آن، دستور وصیت کردن، صدقات و موقوفات حضرت علی علیه السلام، کفنه های قیمتی، تکلم حضرت سیدالشهداء با اصحاب در روز عاشورا، چگونگی شهادت علی اصغر علیه السلام ۷۵۳
- مجلس شصت و دوم: در ایمان ثابت، در عقاب تارک صلات، داستان سحره فرعون، مقامات هلال بن نافع ۷۶۹

- مجلس شصت و سوم: در سرعت به سوی مغفرت و امور آخرت، ایمان ثابت، در مدح یقین، در علامات یقین، ایمان حقیقی، داستان علی بن مظاهر ۷۸۳
- مجلس شصت و چهارم: اعمالی که ثواب شب قدر دارد، اعمالی که ثواب احیای شب قدر دارد، ثواب بنده آزاد کردن، ثواب آب دادن، داستان بریر و بحیای مازنی، آب آوردن علی اکبر از فرات ۷۹۹
- مجلس شصت و پنجم: اسباب فسادهای روی زمین، دام‌های شیطان، در مثالب اولی و دوومی، تاویل شیطان در قرآن به دوومی، در مذمت نفس اماره، در مذمت صحبت دنیا، کلمات حضرت سید الشهداء در مذمت دنیا، مصیبت‌های حضرت زینب علیها السلام ۸۱۷
- مجلس شصت و ششم: در فضیلت جهاد در راه خدا، مجاهدت با نفس، فضیلت اصحاب سیدالشهداء، صف‌آرایی دو لشکر در روز عاشوراء، حمله اول لشکر عمر سعد ۸۳۷
- مجلس شصت و هفتم: اقسام فقر، سخت‌ترین مرضها، مأیوس شدن از رحمت حق تعالی، در اسباب قساوت قلب، در شهادت علی اصغر .. ۸۵۳
- مجلس شصت و هشتم: در مذمت تکبر، در افتخار کردن اسرافیل بر جبرئیل، در مذمت فخر و تکبر، در فخر و مباهات حضرت حضرت سیدالشهداء، وصیت حضرت سید الشهداء به اهل بیت ۸۶۵
- مجلس شصت و نهم: ثواب مجلس علم، علومی که تحصیلش واجب است، در مذمت نفس اماره، توبه کردن حُرین یزید ریاحی ۸۸۱
- مجلس هفتم: در طلب روزی حلال، در معاملات حرام، غذاهای شبه‌ناک، آثار لقمه حرام، خطبه حضرت سید الشهداء، مبارزه و جنگ حضرت سیدالشهداء ۸۹۷

به نام خدا
یادداشتی بر چاپ دوم
«اعتذارنامه»

«سبحانك لا علم لنا الا ما علمتنا»

چاپ اول کتاب شریف «ثمرات الحیات» در مدت بسیار کوتاهی نایاب شد. اما از آنجایی که کتاب حجم زیادی دارد و از طرفی هم بواسطه بعضی از مشکلات، متأسفانه اغلاط چاپی و بعضی اشتباهات دیگر، ناخوانده میهمان این کتاب شد و ناخواسته در صفحات کتاب جای گرفت. به هر حال در این مورد سرورانی با کرامت از روی لطف و صفا کریمانه خطاها را با سلامی گرم، مهربانانه بر ما گوشزد نمودند. و ما هم با کمال ادب پذیرفتیم، امیدوارم که همیشه این چنین باشند و باشیم. و سرورانی هم با عتاب و خطاب به خاطر خطاهای چاپی - که تقریباً در امر چاپ تا حدودی طبیعی است - تذکراتی دادند، تذکراتشان در جای خود سودمند بود و راهگشا.

از هر دو دسته با نهایت ادب و احترام سپاسگزارم؛ از دسته اول به خاطر کرامتشان و از دسته دوم - ولو خیلی اندک بودند - به خاطر عتاب و خطابشان. به هر حال همه خطاهای چاپی و غیر چاپی در حین ویرایش دوم اصلاح شد، البته به اندازه همان طاقت بشری. با ویرایش مجددی که انجام داده شد طبعاً فیلم و زینگ نیز عوض گردید، گرچه درباره ویرایش این کتاب مطالبی در سخن ویراستار آمده است که با مراجعه به آنجا چگونگی تصحیح و ویرایش این اثر بر خواننده گرامی روشن خواهد شد، سعی شده که دیگر خطاها نباشد، امیدوارم که چنین باشد. و بعضی از اشکالات مثل فهرست کلی و نیاوردن منابع تحقیق که بعضی از دوستان تذکراتی داده بودند، اصلاح گردید. و همچنین بعضی از روایات نیز که در چاپ اول از قلم افتاده بود و نشانی داده

نشده بود، نشانی داده شده است.

باز از همه سروران معظم تقاضامندم که خطاها را کریمانه بر ما بنوازند، که این تذکرات بسی سودمند خواهد بود. حقیر و دیگر دست اندرکاران با کمال ادب و احترام سپاسگزار خواهیم بود.

اما در اصلاح مجدد کتاب بعضی از همکاران چاپ اول دوباره به زحمت افتادند، ضمن تشکر دوباره از آن عزیزان، از برادر ارجمند جناب آقای سید احمد نکویی زهرایی و از سرکار خانم صفاءرغی که در امر مقابله کتاب، و تطبیق زحماتی را متحمل شدند سپاسگزارم. و همچنین جا دارد از برادران حروف‌نگار انتشارات فقه که با حوصله اصلاحات را اجرا نمودند تشکر نمایم. در پایان اعتذار خود را به خاطر اشتباهات چاپی به آن دسته از سرورانی که چاپ اول کتاب را تهیه کردند اعلام می‌دارم. امیدوارم که با دیده اغماض نگریسته و کریمانه گذشت نمایند. گرچه بنده و انتشارات ذوی القربی بیش از همه - چه معنوی و چه مادی - متضرر شدیم.

«ان أريد الا الإصلاح ما استطعت وما توفيقي إلا بالله وعليه توكلت»

قم: فروردین ۱۳۷۹

محمد ملکی

مختصری از حیات مرحوم سید محمود امامی رحمته الله

بنیاد بلند حوزه‌های پرافتخار علمیّه در سرتاسر این مرز و بوم مهد تمدن بشری، سالهاست پابرجا و استوار است، مکتبهای گوناگون فکری فقهی، اصولی - فلسفی، عرفانی، کلامی و حدیثی، همه در سایه قرآن و تشیع نشانگر آزادی و تکثرگرایی در این مکتب پرافتخار است.

هر یک از این حوزه‌ها توسط عالمان و حکیمان وارسته و روشن بین بنا نهاده شده و در مسیر تاریخ و در زندگی خود اوج و فرودی پشت گذاشته و می‌گذرد.

یکی از این پایگاهها مکتب و حوزه عظیم الشان اصفهان است که اوج عظمت آن از زمان صفویان شروع و حدود نیم قرن پیش و یا کمتر تقریباً به خاموشی گرایید و الآن دوره فرود خود را طی می‌کند، آيا زمانی بیايد که دوباره این حوزه عظیم الشان به خود آید و کسانی چون ملاصدرا، ملاهادی سبزواری - حکیم نوری، حکیم ملا محمد کاشانی، خاندان صدرها، حکیم جهانگیرخان قشقایی، و حکیم الهی و یگانه عصر خود آقا محمد رضا قمشه‌ای و این اواخر آیه الله بروجردی، درچه‌ای و بقیة السلف اینان جناب جلال الدین همایی که به حق انسان آزاده‌ای بود که به هیچ وجه رنگ تعلق نپذیرفت. آزاد فکر کرد و آزاد زیست، و علم و دانش و عرفان و حکمت را به هیچ مدح و ثنایی نیآلود.

چه زیباست این گونه زیستن و این گونه دین حفظ کردن، آری حوزه شریف اصفهان عالمان، فقیهان و محدثان این چنانی را در خود جای داده بود. در این شهر بزرگ از مدفن پیامبران، عالمان بزرگ گرفته تا امامزادگان اصیل اهل بیت عصمت و طهارت مزار شیفتگان علم و دانش است و یکی از این امامزاده‌ها،

امامزاده درب امام است که یکی از امامزادگان معتبر و مشهور اصفهان است. مرحوم درب امامی با توجه به این که محل سکونتش در نزدیکی این امامزاده یعنی کوچه اراپه‌چی‌ها واقع شده بود، به این امامزاده منسوب و به امامی مشهور گردید.

آن مرحوم در مسجد کوچکی به نام مسجد عصّاری در نزدیکی منزل مسکونی خود و در جنب عصّارخانه در دشت اقامه نماز جماعت می‌نمود، این مسجد در نزد بسیاری از مردم محله به مسجد حاج سید محمود درب امامی مشهور است.

ظاهراً مرحوم آقای امامی در همین مسجد مکتب‌خانه‌ای نیز داشته و در آن به تدریس بعضی از دروس علمی و قرآنی مطابق مرسوم آن زمان می‌پرداخته است.

محله‌ای که مرحوم محدث درب امامی در آن زندگی می‌کرد، در آن زمان بسیاری از علماء و بزرگان آن عصر اصفهان را در خود جای داده بود. میرزا بدیع درب امامی، مرحوم آیه الله سید محمد باقر درچه‌ای، سید مهدی درچه‌ای از جمله کسانی هستند که در همین محله سکونت و امام جماعت بوده‌اند.

منابر مرحوم امامی مورد اعتنای عموم طبقات آن زمان بویژه فضلا و علماء بوده است، به طوری که اشخاصی مانند: مرحوم حاج شیخ مهدی نجفی مسجد شاهی و آقا محمد باقر درچه‌ای که از مجتهدین مسلم آن زمان محسوب می‌شوند مستمع مواعظ صاحب ثمرات الحیات بودند.

مرحوم امامی با بزرگانی همچون مرحوم شیخ علی اکبر نهاوندی نیز، رفاقت و صمیمیت داشته است. به طوری که هرگاه به مشهد می‌رفتند وارد بر ایشان می‌شدند.

امامی یکی از زبردست‌ترین واعظان و محدثان آن عصر اصفهان بوده و تسلط بسیار عالی بر اخبار و روایات داشته است و این امر از نوع تألیف ثمرات الحیات مشهود و در السنه معمرین هم این مسأله مشهور و معروف است و

خود نیز در جایی از ثمرات الحیات به این مسأله اشاره می‌کند و می‌فرماید: «پدرم به من معترض بودند که شما اینقدر که اخبار و آیات مطالعه می‌کنی اگر متون فقهی و اصولی می‌خواندی الآن یکی از بزرگترین مجتهدان می‌شدید» تقوای ایشان نیز زیانزد عام و خاص بود، مردی بود که درد دین داشت و از زخارف دنیوی به کلی دوری می‌جست، چه خوب است که این خصیصه علمای بزرگ سلف ما رضوان الله علیهم مدّ نظر ما باشد بویژه آن کسانی که در کسوت ارشاد مردم هستند تا نصایح آنها تأثیرپذیر بشود. ان شاء الله.

اما هیچ یک از فرزندان صاحب ثمرات در زی روحانیت و لباس اهل علم نبوده و نیستند. ولی ایشان دامادی به نام سید عبدالرحیم جزایری داشته که ملبس به لباس روحانیت و اهل فضل و کمال و حافظ قرآن بوده است. و تسلط وی بر آیات قرآنی به نحوی بوده که از وی به کشف الآیات متحرک تعبیر می‌شده است.

مرحوم سید عبدالرحیم جزایری پسر برادری به نام سید میرزا آقا جزایری داشت که پس از انقلاب اسلامی هم در قید حیات بود و در مسجد آقا نور در نزدیکی مسجد عصار به امامت جماعت اشتغال داشت.

مرحوم حاج میرزا آقا در نهایت قدس و تقوا و صفا و سادگی بود. و تنها بازمانده روحانی مرحوم درب امامی محسوب می‌گردید. پس از فوت در امامزاده سه تن جنب مسجد آقانور به خاک سپرده شد.

به اعتراف بزرگان مرحوم امامی عالم فاضل و محدث کامل و از موثقین و محدثین اصفهان به شمار می‌رفت. به طوری که نقل می‌کنند در آن زمان کسی جرئت این را نداشت که در حضور حضرت آیه الله العظمی سید محمد باقر درچه‌ای پا به منبر وعظ و موعظه بگذارد؛ ولی مرحوم امامی با صلابت در حضور آن عالم بزرگ منبر می‌رفت و حضرت آیه الله نیز به مواعظ ایشان گوش فرا می‌دادند.

مرحوم سید محمود موسوی امامی فرزند سید عبدالعلی موسوی امامی از سلسله جلیله سادات امامی اصفهان هستند اما روز و ماه و سال تولد ایشان بر

ما معلوم نیست؛ ولی آنچه که حدس و گمان را درباره تولد ایشان تقویت می‌کند روز و سال مرگ اوست. که معلوم و مشخص است. ایشان در عصر روز سه‌شنبه ۲۱ ذی الحجه الحرام سال ۱۳۷۲ قمری (بنا به نوشته تذکره القبور ص ۳۰۵) به سن متجاوز از ۹۰ سال وفات یافته است و در تکیه کازرونیهای تخت فولاد اصفهان مدفون است با این حساب ایشان باید در بین سالهای ۱۲۸۲ - ۱۲۸۰ هجری قمری تولد یافته. و این‌ها با آن تاریخی که در آخر کتاب ثمرات بعنوان اتمام تألیف کتاب (۱۳۵۰ق) قید کرده مطابقت می‌نماید و ایشان در حدود ۷۰ سالگی این کتاب را به اتمام رسانده است. خداوند با اجداد طاهرینش محشور بگرداند و این خدمت او را مقبول درگاهش بنماید. ان شاء الله.^۱

۱ - عمده مطالب این مختصر که مربوط به خاندان امامی است توسط دوست فاضلم جناب آقای حسینعلی نقده دوزان فرزند مرحوم حاج شیخ فضل الله نقده دوزان که مدتها از ملازمان مرحوم امامی بوده در اختیار حقیر گذاشته شد. در اینجا ضمن آرزوی رحمت و غفران بر آن عزیزان بدینوسیله از آقای نقده دوزان سپاسگزارم.

بنام خداوند مهر گستر مهربان سخن ویراستار

از آنجایی که کتاب ثمرات الحیات، با زبان گفتاری نوشته شده، یعنی همانطوری که بالای منبر سخنرانی کرده و به همان صورت نیز مطالب مطروحه را بر روی کاغذ آورده. طبیعی است در این گونه تألیفات قواعد دستور زبان فارسی مراعات نمی‌شود. و کتاب ثمرات الحیات هم با توجه به زمان تألیف^۱ آن از این روش استفاده نموده لذا چندان قواعد دستوری را در کتاب به کار نبرده است به نظر می‌رسید که اگر اصلاح گردد ماندگارتر می‌شود. با توجه به نوع اصلاح و برخورد با متون قدیمی و یا با این گونه تألیفات (ثمرات الحیات) ویراستار می‌تواند سه گونه برخورد کند:

۱ - باز آفرینی ۲ - باز نویسی ۳ - اصلاح شکلی متن با حفظ تمامی چهارچوب کتاب.

در باز آفرینی متون قدیم، نویسنده یا ویراستار می‌تواند تمامی چهارچوب کتاب را به هم بریزد. و با توجه به مطالب آن، کتاب را به گونه‌ای اصلاح نماید که هیچ نشانی از ظاهر متن قدیم در آن نباشد. و یا آن را طوری خلاصه نماید که در مواردی کتاب را به یک سوم یا کمتر تقلیل دهد.

۲ - بازنویسی: در بازنویسی اکثراً چهارچوب اصلی کتاب حفظ می‌شود. و حذف و اضافه در این روش متناسب با ساختار کتاب انجام می‌شود. متون

۱ - بنابراین آنچه که مرحوم مؤلف در پایان کتاب ذکر کرده حدود ۶۹ سال پیش، از تألیف این کتاب فارغ شده، و نکته دیگری هم که لازم است ذکر شود این است که مرحوم مؤلف در خطبه کتاب، خود را سید محمود فرزند عبدالعلی و در پایان کتاب عبدالعلی فرزند محمود معرفی کرده ولی از آگاهان و بازمندگان وی در اصفهان تفحصی شد و آنچه که در خطبه آمده را صحیح دانستند. و در صفحه اول کتاب هم به همین نام آمده است.

مغلق و دشوار را با عبارت ساده و رسا بیان می‌کنند تا همگان بتوانند از آن استفاده کنند.

۳- در اصلاح متون نوعاً به اصلاحات ظاهری متن بسنده می‌شود و تغییرات کلی محتوای در متن انجام نمی‌گیرد. به هر صورت در ویرایش کتاب ثمرات با توجه به خوانندگان کتاب و نوع و ساختار آن که مجلس وعظ و منبر است و این گونه کتب باید همان حالت مخصوص خود را حفظ نماید، هیچ یک از دو مورد فوق را به دلایلی اعمال نشد. فقط به اصلاحات شکلی متن اکتفا گردید و به ندرت آن هم به ناچار دست به تغییر محتوای متن زده شده است و این تغییر هم هیچ گونه خللی در معنا و مفهوم وارد نساخته است. چون این موارد نوعاً در ترجمه آیات بوده و آنهم از ترجمه‌های موجود استفاده شده است. چون نویسنده کتاب در قید حیات نیست و جلب رضایت او هم شرط است شاید رضایت ندارد، که ویراستار مطالب آن را حذف و یا مطلبی بر آن بیافزاید.

اما اگر بخواهیم این کتاب را به فارسی سیره امروزی درآوریم قطعاً آن حالت مجلس و وعظ و خطابه بودن خود را از دست می‌دهد. و با توجه به نوع استفاده و اشخاصی که در زمانها و مکانهای خاص از این کتاب استفاده می‌کنند با توجه به این موارد این کتاب فاقد استفاده و کاربرد و موقعیت خاص خودش می‌شد. و نوعاً کسانی خوانده این کتاب هستند که اهل وعظ و خطابه و منبرند. و این کتاب هم بر همان سبک سیاق منبر و خطابه تنظیم شده. و تقریباً به همین شکل شاید بیشتر به کار آن دسته از کسانی بیاید تا این که کاملاً به فارسی سیره امروزی درآید. به عنوان مثال در پایان هر مجلسی مؤلف گریزی به نام روضه دارد، که اگر آن تغییر داده شود و یا به فارسی سیره بر برگردانده شود از حالت منبر و روضه خارج می‌شد. و کسانی که می‌خواهند از این پاراگراف به عنوان روضه استفاده کنند با تغییر متن چیزی به نام روضه دستگیر آنها نمی‌شد.

دیگر این که از باب حفظ امانت و ویراستار - با توجه به فوت مؤلف -

نمی‌توانست تغییر محتوایی در کتاب بدهد با این که به نظر حقیر این کار لازم و ضروری است. لذا با توجه به مطالب فوق تمام محتوا و چهار چوب کتاب از نظر معنا و مفهوم حفظ شده است.

۴ - ویراستار در حذی که خللی به محتوای کتاب وارد نشود در اصلاح آن کوشیده و تقریباً کتاب را از حالت زبان گفتاری به حالت نوشتاری برگردانده است و طوری قواعد دستور زبان فارسی در آن اعمال شده که هم تا حدودی نظر دستوری ویراستار بر آورده شده و هم کتاب از آن حالت اولیه خود که زبان گفتاری است خارج شده است و تا جایی که مقدور بود قواعد دستوری اعمال، و در واقع تبدیل به احسن شده است.

نکته دیگر، با این که اصل کتاب در نوع خود کتاب مفیدی است ولی با گذشت زمان و چاپهای مکرر و نبود امکانات چاپی پیشرفته اغلاط چاپی به کتاب راه پیدا کرده بود که همه این موارد با دقت تمام اصلاح شد.

۵ - مرحوم مؤلف از مثنوی مولانا جلال‌الدین بلخی زیاد استفاده نموده ولی به دلیل این که از ذهنش استفاده می‌کرده دچار اشتباهاتی شده. به عنوان مثال: مؤلف محترم در یک بیت، مصرعی با مصرع دیگری از بیت دیگر آورده و به عنوان یک بیت از فلان شاعر ذکر کرده، که این گونه موارد نیز اصلاح شده است. و یا در نقل روایات به حسب همان عادت واعظان در مجالس تکرار مطالب به چشم می‌خورد ما به همان صورت آوردیم. چون اگر این تکرارها را حذف می‌کردیم تمام چهارچوب آن مجلس بهم می‌ریخت لذا حذف را جایز ندیدیم.

پایان سخن، این که شاید بتوان گفت در ویرایش این کتاب تا حد ممکن کوشش شده که هم قواعد دستوری اعمال شود و هم به مبانی کتاب خللی وارد نشود. و لذا از برگرداندن به فارسی سیره خودداری شده است.

اما درباره تحقیق آیات و روایات:

کتاب مملو از آیات و روایات است در بعضی از صفحات شاید متجاوز از

هفت یا هشت آیه و روایت استفاده نموده. درباره آیات مطلب خاصی نیست مگر این که بعضی از آیات غلط نقل شده بود و طبیعی است این اغلاطی که در آیات منقوله راه یافته بر اثر چاپ مکرر و نبود امکانات چاپی پیشرفته در امور چاپ در زمان گذشته بوده است که همه آن موارد تطبیق و اصلاح شد. اما یادآوری چند نکته درباره تحقیق روایات ضروری است. اولاً مرحوم مؤلف کوشیده است روایاتی نقل کند که مستند باشند، لذا در نقل یک روایت به چندین کتاب تمسک جسته است. مثلاً یک روایتی را که نقل می‌کند می‌گوید در کتاب بحار، وسائل، و کامل الزیارة، اصول کافی، تفسیر صافی، و... فلان آمده است و یا اکثر به کتب مقاتل حواله می‌دهد. در این گونه موارد بحارالانوار مرحوم مجلسی اصل قرار داد شده و در صورت لزوم و یا نبودن کتاب بحار در سلسله استناد مرحوم مؤلف به کتابهای معتبر دیگری چون وسائل الشیعه و یا اصول کافی و مصادر بحار که متجاوز از صد جلد کتاب روایی است ارجاع داده شده است تا حد امکان از ارجاع دادن به کتب غیر معتبر و یا بعضی از مقاتل غیر مشهور خودداری شده است. و در ضمن تمام آیات با قرآن و تمام روایات با متون روایی تطبیق و طبق ثبت متون روایی در این کتاب هم ثبت گردید. در مواردی اگر اختلاف بین چاپ قدیم و این چاپ مشاهده شود این چاپ با متون اصلی تطبیق شده و مقرون به صحت است ان شاء الله.

و مطلب دیگر این که مرحوم مؤلف فرازی از یک روایت را در مجلسی و فراز دیگری را در مجلس دیگری ذکر نموده و یا یک روایت و یا آیه را در چندین جا تکرار نموده است در این گونه موارد به یک ارجاع اکتفا شده است. با این حساب تمام قریب به اتفاق روایات و آیات مطروحه ارجاع و نشانی داده شده و در بعضی صفحات دیده می‌شود که حدیثی و یا بعضاً آیه‌ای نشانی داده نشده قطعاً به دلیل تکراری بودن در صفحات گذشته از نشانی دادن مکرر خودداری شده است.

یادآوری دیگری در رابطه با کتب ارجاع داده شده و پا نوشته‌های صفحات کتاب، از آنجایی که از نظر آیین نگارش و نشانی‌هایی که از کتب مرجع در

پاورقی داده می‌شود. باید به صورت کامل باشد یعنی نام نویسنده، نام ناشر و تاریخ و مکان چاپ و نوبت چاپ و غیره باید نوشته شود. ولی، استثناء این کار را به خاطر کثرت پاورقی‌ها و بخاطر این‌که صفحات کتاب از حد استاندارد کوتاه‌تر نشود اینجا از دادن نشانی کامل خودداری شده و در پاورقی فقط به ذکر نام کتاب و جلد و صفحه اشاره شده است. و در پایان جلد دوم منابع مورد استفاده شده آمده است. در این‌جا لازم است به چند نکته اشاره شود.

۱ - نشانی‌های که از کتاب بحارالانوار داده شده از چاپ صدوده جلدی چاپ تهران و مصادر بحار که حدود ۱۰۰ جلد کتاب روایی است از طریق رایانه استخراج شده. و در ضمن لازم به یادآوری است سرورانی که می‌خواهند به اصل روایت رجوع کنند به این نکته توجه داشته باشند که شماره مسلسل مجلدات بحار، چاپ تهران با بیروت اندکی اختلاف دارد البته از جلد اول تا جلد پنجاه هر دو چاپ با هم مطابقت دارند ولی از جلد ۵۱ به بعد چاپ تهران سه شماره عقب‌تر است یعنی جلد ۵۴ چاپ تهران جلد ۵۷ بیروت و یا جلد ۹۷ تهران، جلد ۱۰۰ بیروت، خواهد بود چون جلد‌های در چاپ بیروت حذف شده است.

۲ - احادیث وسائل الشیعه از چاپ ۲۰ جلدی چاپ تهران می‌باشد.

۳ - احادیث استخراج شده از کتب اربعه (اصول کافی، من لایحضره الفقیه، استبصار، تهذیب) از کتب موجود در رایانه استفاده شده.

۴ - روایات خصال صدوق از چاپ و نشر جامعه مدرسین استخراج شده.

۵ - نهج البلاغه مورد استفاده، نهج البلاغه مرحوم دکتر صبحی صالح چاپ بیروت قطع جیبی و ابن ابی‌الحدید موجود در رایانه می‌باشد.

۶ - مؤلف محترم از مثنوی حضرت مولانا جلال الدین محمد بلخی زیاد استفاده کرده است، لذا ابیاتی که در پاورقی نشانی داده شده از مثنوی چاپ دوم سه جلدی (۱۳۷۳) امیر کبیر با تصحیح و مقدمه مرحوم نیکلسون می‌باشد. در صورتی که در نسخه نیکلسون یافت نمی‌شد به شرح مرحوم جعفری ارجاع داده شده است.

۷ - نسخه‌ای که از خواجه حافظ، لسان الغیب مورد استناد واقع شده نسخه مرحوم محمد قزوینی و مرحوم غنی و مرحوم جلالی نائینی و نذیر احمد است. در غیر این صورت نوع چاپ در پاورقی یادآوری شده.

۸ - کتابهای مانند مستدرک الوسائل، امالی صدوق، ارشاد شیخ مفید، مصباح الشریعه، شرح توحید صدوق چاپ جدید، لهوف سیدابن طاووس، مقتل ابی مخنف، اثنی عشریه، جامع السعادات سه جلدی نراقی، تحف العقول، تفاسیر، شرح لمعه و دیوان امام علی، کشف الایات مثنوی دریا به دریا، از چاپ‌های مشهور و موجود در بازار که نوعاً چاپ متعددی ندارند. استفاده شده است.

۹ - اشعار سعدی، اعم از غزلیات و قصاید دیوان غزلیات دو جلدی با تصحیح خطیب رهبر و کلیات با تصحیح فروغی و گلستان، بوستان با تصحیح و مقدمه غلامحسین یوسفی نشانی داده شده.

۱۰ - لغات را از لغت نامه دهخدا چاپ ۱۵ جلدی جدید استخراج و نشانی داده شده است.

۱۱ - غررالحکم دو جلدی چاپ بیروت محل رجوع ما بوده که تماماً شماره گذاری شده.

۱۲ - منابعی دیگری که مورد استناد واقع شده از قبیل ادعیه، زیارت نامه خطب و یا دعا‌های مخصوص ایام و غیره نوعاً از مفاتیح شیخ عباس قمی نشانی داده شده و کتب متفرقه دیگری هم بعضاً در پاورقی مثل مصباح الشریعه و جلال‌العیون و عین الحیات مجلسی و دیوان امام علی علیه السلام و غیره از کتب مشهوره و بعضاً یک چاپ بیشتر ندارد نشانی داده شده است. و کتب دیگری که اینجا نام برده نشد در پاورقی نشانی آن داده شده است. و یا بعضاً خود مرحوم مؤلف روایتی که نقل می‌کند در متن آدرس داده و نیازی به تکرار آن در پاورقی نبوده. مطلبی را نیز باید این جا به خوانندگان معزز این کتاب یادآوری شود و آن این است صحت سقم مطالب مطروحه کتاب طبعاً به عهده مؤلف محترم آن می‌باشد. ویراستار هیچ گونه نظر خاصی در اثبات و نفی

ندارد. مگر در مواردی مطلبی در پاورقی ذکر شده و آن هم با گذاشتن (م) که نشانه این است که این مطلب پاورقی مربوط به ویراستار (ملکی) است و صحت و سقم آن ارتباطی به مرحوم مؤلف ندارد، صرفاً نظر ویراستار است.

۱۳ - بعضی از روایات به مراجعه مکرر به رایانه و دیسکتهای موجود کتب روایی و چه با رجوع مستقیم، به دست نیامد، به دلیل این که مرحوم مؤلف اکثر آنها را نقل به مضمون نموده و عین عبارت در کتب مشهوره موجود نمی باشد.

۱۴ - مطلب دیگر رسم الخط کتاب بود که حتماً باید اصلاح می شد. از آن جایی که کتاب در حدود هفتاد سال پیش نوشته شده و رسم الخط کتاب هم متناسب و متداول همان زمان که قویاً متأثر از رسم الخط عربی بود. همه این موارد اصلاح و با رسم الخط رسمی فارسی امروز تطبیق داده شد به عنوان مثال در قدیم همه معاویه، اسحاق، اسماعیل، صلات، زکات و... را به ترتیب به صورت معاویه، اسحق، اسمعیل، صلوة، زکوة می نوشتند که همه این ها از نظر رسم الخط فارسی غلط است.

در پایان از همه آن سوته دلان با صفا و واعظان راستین شریعت محمدی صلی الله علیه و آله که از این کتاب در ذکر مصائب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام بخصوص آن بانوی عظیم الشان و فرزند شهیدش، آن امام همام حضرت سیدالشهداء علیه السلام که خون او، خونهای درخت تنومند اسلام است، استفاده می کنند، امید آن دارم که مرحوم مؤلف، و مسئولین محترم انتشارات فقه جناب آقای سید مهدی حکیم و ذوی القربی جناب حجت الاسلام سید یعقوب موسوی که بانیان چاپ و نشر این اثر هستند و جناب حسن حبیبی اهوازی که با صبر و حوصله در استخراج آیات و روایات همراه و همکار حقیر بودند و این بنده عاصی را از یاد و دعا در هنگامه استجابت آن فراموش نفرمایند. که شاید به لطف ائمه حق و ام الائمه، شفیع روز جزایمان باشد.

در دفتر دوام به ارفاق عاشقان تردید نیست که نام مرا هم نوشته اند

قم، شهریور / ۱۳۷۷

محمد ملکی

(جلال الدین)

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

«هذا هو المجلد الاول من كتاب ثمرات الحيات»

اما بعد فيقول العبد المذنب الجانى: «محمود بن عبد العلى الموسوى الامامى الاصفهانى» لما بلغ عمرى العزيز بعشرين سنة تركت التحصيل و اشتغلت به مطالعة كتب الاخبار كبحار الانوار، والوسائل، والكافى، والوافى، والصافى و ساير الكتب المعتمدة واستخرجت منها ذرر الاخبار و غرر الاثار و جمعتها فى المسودة مؤلفة مرتبة و حفظت من الاخبار والاحاديث القدسية والنبوية ما يزيد على الفى حديث و من الاشعار العربية والفارسية فى الموعظة والمناقب والمصائب ما لا يحصى.

ثم شرعت بترتيب المجالس فى الموعظة والمسئلة والروضة كالمجالس المنبرية كما اقرئها فى مجالس المؤمنين والعلماء والمجتهدين والان يبلغ مجالسى المرتبة كما ذكرتها تقريباً بثلاث مائة مجلس فى التوحيد والنبوة والامامة والمواعظ الشافية الكافية والاخلاق الحسنة. و قد بلغ عمرى الفانى اليوم تقريباً بثمانين سنة و هى سبع و خمسين و ثلاث مائة بعد الالف من الهجرة النبوية.

ولما كانت تلك المجالس حاصل عمرى و ثمرة ايام حياتى سميت كتابى هذا، ثمرات الحياة لتكون ذخيرتى بعد الممات. ارجو من الله ان ينفعنى و اخوانى المؤمنين به فى الدنيا والاخرة بحق محمد صلى الله عليه و آله و عترته الطاهرة.